

برگه ۲۲ شماره ۱۹۹۰

ترانه اییم هر وقت در شطرنج که تو میرد تا دستم و

در جوانی ما فتنه بشاید بیچاره سال پیشی بر آن کشیدی با اینهم

رو برو شدم اما شعره آنقدر صبیته در دل دردمند من

عزیز ای میرد که دست در میانم در همیشه میگویم: از کجا

این دفتر را بنده را میدار است من در بر آن کشیدی

عزرا (الله به نقل من) آرزوی خوشبختی را در تو سپردم

مخوابی در سخت ^{جان} ای ماه ^{الله} و شکر گوید ^{بیت} را میبوسم

زیادت

حاجه علی

انگیزه علی